

سرشناسه :
 عنوان و پدیدآور :
 مشخصات نشر :
 مشخصات ظاهری :
 فروست :
 شابک :

انصاری، هرمز، ۱۳۱۴ -
 وقتی کسی را دوست داری / هرمز انصاری
 تهران: آنسه، ۱۳۸۶
 ۸۰ ص.
 برای آنان که می اندیشند؛ ۸
 964-96186-7-8

وضعیت فهرست نویسی :
 یادداشت :
 موضوع :
 رده بندی کنگره :
 رده بندی دیویی :
 شماره کتابخانه ملی :

ص ۰ع به انگلیسی :
 شعر فارسی - - قرن ۱۴
 ۱۳۸۶ و ۷/۶۴۴۰۶/۷۹۶۲ PIR
 ۸۱۶/۶۲
 ۸۵-۴۶۶۰۸

طرح روی جلد :
 صحافی :
 لیتوگرافی و چاپ :
 شمارگان :
 چاپ اول :
 قیمت :

پویا آریان پور
 معین
 فرارنگ آریا
 ۳۲۰۰
 ۱۳۸۶
 ۱۵۰۰ تومان

برای آنان که می اندیشند.

وقتی کسی را دوست داری

هرمز انصاری

نشر آئینه

ساعت از نیمه شب گذشته،

بیرون شهر هستیم،

در یک اتاق ییلاقی.

بستر خواب می اندازیم که بخوابیم،

نسیم ملایمی خواب را می برد -

نسیم یک اندیشه.

حرکت که می کند

بهمن می شود،

آبشار می شود،

رود خروشان می شود،

دریا می شود

با سرعت از بستر بیرون می برم

تا آن را

آن گونه که می آید

به تصویر کشم

پشت میز که می‌نشینم -

رنگ و آهنگ و رقص

واژه‌ها و ساختارها و پیام‌ها

در فوران و سرریز، درهم ریخته است.

روی صفحه‌ای کاغذ

با نیش قلم

برای راه رفتن‌شان

راه باز می‌کنم:

"تضاد" وجود ندارد؛

هیچ چیز متضاد چیز دیگر نیست -

هر چه هست "مکمل" است.

به بستر بر می‌گردم

ته ظرف مغزم

هنوز "فکر" مانده است؛

"و ما هر چیزی را

با غیر خودش می‌شناسیم؛

با تفاوت‌ها و تشابه‌ها."

"تفاوت‌ها بافت هستی است"

همچنان که

حرکت ذات آن."

○ ○ ○

گاه چیزی می‌خوانم

یا می‌شنوم

یادداشتی کوتاه

بار همه پاسخم به آن را

به دوشن می‌کشد:

"وقتی کسی را دوست داری"

"چرا انسان دینامیکی است؟"

"حمین که هستم"

"همسری"

○ ○ ○

بناست در محفلی سخن‌رانی کنم -

برای "که" - درباره "چه"؟

تا آن‌ها را نبیستم،

تا چشمم در چشم‌های‌شان نیفتد،

تا پرتو حضورشان گرمم نکند

آغازی برای سخن، در ذهنم، شکل نمی‌گیرد.

که وقتی گرفت، عنان اختیار از من می‌رباید -

گرفتار گردبادی از ناگفته‌ها و ناشنفته‌ها می‌شوم.
سوار کار تازه کاری نیستم،

اما توسن سرکش سخن

چابک سواری دیگر می‌طلبد.

توی حال خود می‌روم

ارتباط با بیرون از خود را می‌برم

و با نیش قلم

شیارهایی

برای جاری شدن سخن

می‌تراشم

آن چه "یادداشت پیش از سخنرانی" نامیده می‌شود

در دست‌هایم تا می‌شود، لوله می‌شود، می‌چاله می‌شود

و گاه پاره.

ولی، فانوس دریایی‌ام.

و امیدوارم،

آنان که صدا یا تصویری از این سخنرانی‌ها دارند

کمک کنند خوانندگان را "شنوندگان" کنیم.

هرمز انصاری

۲۹ دی ۱۳۸۵

بیش از نیم قرن است که مردم ایران، و بسیاری
دانش پژوهان جهان، خدمات آموزشی- فرهنگی
هرمز انصاری - **هلین گذار انستیتو زبان سیمین** - را

به دلیل سازمان دهی ها، و حضور پر شور و پیوسته در
عرصه های **تحقیق و تالیف و تربیت و تدریس**

ستوده اند و ارج نهاده اند.

هرمز انصاری، پس از سی و چند سال رهبری پیوسته و
همه جانبه انستیتو زبان سیمین - به توصیه پسر و دختر
خود - کار سیمین را به آنان سپرد و خود بر سر نوشتن
آمد.

نوشتن حرف دل خود

با کودکان و نوجوانان و جوانان،

با مدرسان و مربیان و خانواده ها،

با نویسندگان و هنرمندان و سازمان دهندگان،

با همه آنان که دوست شان دارد و دوستش دارند.

به زبان طنز و شعر و داستان و نامه و تیریک و مقاله و
گفتگو.

نشر آنسه

این کتاب ها از همین نویسنده توسط نشر
آنسه

پیش از این به شرح زیر به چاپ رسیده است:

منتشر شده است:

۱۳۸۲ تبریک های نوروزی

۱۳۸۳ کوتاه نویسی های هرمز انصاری

آن روزها

...

۱۳۸۴ این روزها

تو به من عشق ورزیدن

۱۳۸۴ یاد می دهی

پرنده های عشق

۱۳۸۵ آواز مرا بخوانید

چه بنویسیم

...

۱۳۸۵ چه گونه بنویسیم؟

نگویم

...

۱۳۸۵ بگویم

وقتی کسی را دوست داری -

و واقعاً دوست داری -

باید شناختت از او

شناخت واقعیت ها باشد،

باید آرزوهایت برای او

آرزوهای سازنده باشد،

باید دستت در دست او

دست دوستی و ایثار و اتحاد باشد.

و من،

دستم را در دست دوستی می گذارم که

آرزو دارم شناخت او از زندگی

شناخت درون و بیرون واقعیت ها باشد.

شناسایی او از واقعیت های جهان هستی

به او تواضع علمی بخشد.

شناسایی او از واقعیت های جهان هستی

به او تفکر علمی و منطقی دهد،

حرفش برای دوستان

سندی قابل اعتماد باشد

و دستش در دست دوست

گرمابخش و امیدآفرین.

سفیر دوستی باشد و

پیام آور اندیشه ای والا